

خلاف گویی وزیر طالبان در سیستان

فرشید عابدی
روزنامه‌نگار

نورالدین عزیزی، وزیر صنعت و تجارت افغانستان که در سفر به سیستان برای توافق پیرامون احداث مسیر دوم مرز میلک، افزایش مرادات مرزی و بهره‌برداری بیشتر از بندر چابهار به سیستان سفر کرده بود در مواجهه با مطالبه تأمین حقایق ایران از رودخانه هیرمند، خشکسالی افغانستان را عامل پرداخت‌نشدن حقایق سیستان دانست و عنوان کرد که خدای ناخواسته دشمنی و انگیزه‌ای برای انحراف مسیر آب نداریم؛ آنچه جریان دارد، یک وضعیت طبیعی ناشی از خشکسالی شدید است.

تناقض‌گویی وزیر طالبان نشان از خلاف‌گویی طالبان درباره رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان دارد. علت اصلی عدم تأمین حقایق رودخانه هیرمند از جانب حکام افغانستان، انحراف‌آورد این رودخانه به سمت شوره‌زار گودزره است اما وزیر طالبان در وهله نخست خشکسالی حاکم بر افغانستان را عامل عدم پرداخت حقایق ذکر کرده، سپس به موضوع انحراف آب اشاره کرده و مدعی شده که طالبان انگیزه‌ای برای انحراف آب ندارد. نه‌تنها نورالدین عزیزی سهواً دچار تناقض‌گویی در اجلاس مشترک اقتصادی ایران و افغانستان شده، بلکه پیرامون دو مسئله «خشکسالی» و نداشتن انگیزه برای انحراف آب رود هیرمند نیز به‌طور فاحش دروغ گفته است.

پس از بهره‌برداری از بند کمال خان، باتوجه به سامانه انحرافی این سازه آبی، هرساله غالب سیلاب رودخانه هیرمند به شوره‌زار گودزره منحرف می‌شود، تصاویر ماهواره‌ای روی این ادعا صحت می‌گذارد؛ برخی سال‌ها دو میلیارد و بر‌خی سال‌ها مانند سال آبی گذشته تا چهار میلیارد مترمکعب آب به‌سمت شوره‌زار گودزره منحرف شده است. به‌رغم ادعای وزیر صنعت و تجارت طالبان، هم‌زمان با افتتاح بند کمال خان، وزارت آب و انرژی و شرکت انکشاف ملی افغانستان در دوره جمهوری رسماً اعلام کردند که بند مذکور برای احیای ۴۹ هزار هکتار از اراضی گودزره و اسکان ۴۹ هزار خانواده پشتون احداث و به بهره‌برداری رسیده است. این اقدام افغانستان در راستای سیاست مهندسی اجتماعی و گسترش و پراکنش پشتون‌های ناقل با هدف حفظ قدرت از دوره یعقوب‌خان تاکنون در حال انجام است. پس از بهره‌برداری از بند کمال خان، ریاست‌جمهوری اشرف غنی چندان دوام نیافت و ذیل توافق دوحه، افغانستان را به طالبان تسلیم کرد، اما به‌رغم تغییر حکومت، انحراف سیلاب رودخانه هیرمند توسط بند کمال‌خان استمرار دارد و حتی کمیسار آب افغانستان در دوره طالبان در جلسه کمیساران آب ایران و افغانستان با اصلاح سازه بند مذکور صراحتاً مخالفت کرد. اگر حکومت طالبان انگیزه‌ای برای انحراف آوردرد هیرمند ندارند، چرا با اصلاح بند کمال خان صریحاً مخالفت کردند؟ چرا باید سیلاب رود هیرمند به‌جای استفاده کشاورزان بلوچ ولایت نمرور افغانستان و تأمین حقایق هیرمند، به شوره‌زار گودزره بریزد؟ اگر انحراف آب از گودزره برای احیای اراضی آن منطقه نیست، پس مصداق هدر دادن آب است که از لحاظ شرعی به آن ایراد وارد است. استمرار انحراف رود هیرمند به‌سمت گودزره و عدم پرداخت حقایق به‌بهانه واهی خشکسالی، به‌معنای ادامه رویکرد هیدروپلیتیک دوره جمهوری‌ت نیست؟ اگر طالبان انگیزه‌ای برای انحراف‌آورد رودخانه هیرمند ندارند، می‌توانند با اصلاح سامانه انحرافی بند کمال خان، حُسن‌نیت خود را اثبات کنند.

نبوددرک درست مقامات سیستان وبلوچستان از رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان و شرایط هیدرولوژی حوضه آبریز در قبال اظهارات کذب وزیر صنعت و تجارت طالبان، نگران‌کننده است. باتوجه به اعطای اختیارات ویژه از جانب رئیس‌جمهور در حوزه حقایق هیرمند به استاندار سیستان وبلوچستان، مادامی که او و سایر مقامات استانی از این مهم درک درستی ندارند، مطالبه حقایق، مصداق آب در هاون کوبیدن است.

بحران آب



تکسیر، ایران

درباره نوع جدیدی از ناامنی روانی که این روزها مردم رادرگیر خود کرده است

اضطراب آب

میزان نگرانی اقلیمی در ایران ۴۲ درصد است و مردم تحت‌تاثیر آن احساساتی مثل نگرانی، ترس، گناه، خشم یا درماندگی را تجربه می‌کنند

به‌زودی با بحران‌های مشابهی روبه‌رو می‌شود که به اصل ملزومات زندگی برمی‌گردد: «در این شرایط، نه خودم می‌تونم کاری انجام بدم، نه بفنظر می‌رسه کسی توجهی داشته باشه. کمبود آب نباشه، کمبود نان، نان نه بنزین، بنزین نه برق، شاید هم همه با هم، کل‌آز بار این مدل فشارها دیگه اصلاً واکنش احساسیم خاموش‌شده. فقط می‌دونم اون اولین لحظه که مستقیم مواجه می‌شم از سر خشم فلج میشم و باز اون موقع هم البته کاری ازم برنماید. این جواب صادقانه منه، سِر شدم.»

حالا ایران ششمین پاییز خشک خود را پشت‌سر می‌گذارد و وضعیت سدهای کشور به مرحله بحرانی رسیده است. از ابتدای سال آبی تا سیزدهم آبان‌ماه، حجم ورودی آب به مخازن سدها تنها یک‌میلیارد و ۷۰ میلیون مترمکعب بوده که نسبت به دو میلیارد و ۸۲۰ میلیون مترمکعب مدت مشابه پارسال، کاهش ۴۰ درصدی را نشان می‌دهد. حجم فعلی ذخایر آبی کشور به ۱۶ میلیارد و ۹۵۰ میلیون مترمکعب رسیده؛ در حالی که سال گذشته این رقم ۲۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون مترمکعب بود. به‌عبارتی اکنون تنها ۳۳ درصد ظرفیت سدهای کشور پر است و ۶۷ درصد آن‌ها خالی مانده‌اند.

راما حبیبی، معاون حفاظت و بهره‌برداری آب استان تهران هم مدتی پیش وضعیت آب در تهران را به‌شکل دیگری توصیف کرد و گفت که در ۶۰ سال گذشته اولین بار است که پنج سال پیایی خشکسالی را پشت‌سر می‌گذاریم و از ابتدای مهرماه امسال که سال آبی آغاز می‌شود، میزان بارش ه‌صفر بوده است. این خبرنا‌نوع تازه‌ای از اضطراب را ساخته که روانپزشکان به آن «اضطراب اقلیمی» می‌گویند و شهروندان ایرانی هم آن را تجربه می‌کنند. پژوهش‌هایی درباره این مفهوم تازه در روانپزشکی انجام شده که نشان می‌دهد نت‌ها بین مردم ایران، بلکه بخش زیادی از شهروندان جهان با اضطراب اقلیمی درگیرند.

طبق این مطالعات بسیاری از افراد حتی بدون تجربه مستقیم از بلایای طبیعی یا مخاطرات محیط‌زیستی تحت‌تاثیر اطلاعات منتشرشده در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی، احساساتی همچون نگرانی، ترس، گناه، خشم یا درماندگی را تجربه می‌کنند. این واکنش‌ها که به‌طور فزاینده‌ای در جوامع مختلف مشاهده می‌شود «اضطراب اقلیمی» یا «اضطراب محیطی» نامیده می‌شود؛ پدیده‌ای نوظهور که بازتابی از تنش‌های روانی فردی و جمعی در مواجهه با مخاطرات محیط‌زیستی است. در مورد ماهیت اضطراب اقلیمی نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که باید آن را نوعی اختلال اضطرابی مجزا در نظر گرفت در حالی که دیگران آن را مشابه دیگر انواع اضطراب، واکنشی به رویدادهای بیرونی می‌دانند. همچنین دیدگاهی وجود دارد که اضطراب اقلیمی را شکلی از اضطراب وجودی تلقی می‌کند؛ احساسی عمیق از بی‌ثباتی و تهدید درباره آینده بشر و کره زمین که بیش ازآنکه صرفاً شناختی باشد، بازتابی از بحران‌های معنایی و اخلاقی عصر حاضر است.

۶۳ درصد؛ میزان اضطراب اقلیمی در ایران

در پژوهشی با عنوان «اضطراب اقلیمی، رفاه و اقدامات طرفدار محیط‌زیست: همبستگی‌های واکنش‌های عاطفی منفی به تغییرات اقلیمی در ۳۲ کشور» که در سال ۲۰۲۲ و با بیش از ۱۲ هزار شرکت‌کننده انجام گرفته، رابطه اضطراب اقلیمی با عوامل مختلف فردی و اجتماعی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اضطراب اقلیمی، ارتباط معناداری با میزان دریافت اطلاعات درباره پیامدهای تغییرات اقلیمی، میزان توجه به این اطلاعات و ادراک از هنجارهای اجتماعی درباره پاسخ‌های هیجانی به این پدیده دارد. طبق نتایج این مطالعه، ارتباط اضطراب اقلیمی با رفتارهای محیط‌زیستی در برخی کشورها بسیار قوی‌تر است. در بسیاری از کشورها این اضطراب به کنش‌های محیط‌زیستی فردی یا جمعی منجر می‌شود اما در کشورهایی مانند مصر، پاکستان و ایران این ارتباط ضعیف گزارش شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اضطراب اقلیمی در کشورهایی با سطوح بالاتر فردگرایی و تولید ناخالص داخلی بیشتر، با اقدامات محیط‌زیستی و حمایت از سیاست‌های اقلیمی در ارتباط است برای مثال ارتباط میان این نوع اضطراب و رفتارهای حامی محیط‌زیست در کشورهایی با تولید ناخالص داخلی بیشتر، معنادارتر و قوی‌تر بوده است.

طبق این پژوهش بیشترین نگرانی (شدید یا بسیار شدید) درخصوص تغییرات اقلیمی نیز در اسپانیا با ۷۷/۶ درصد و کمترین میزان در روسیه با ۶/۹ درصد گزارش شد و میانگین این نگرانی در کل نمونه ۴۶/۸ درصد بود. طبق نتایج این پژوهش، ۳۴/۷ درصد از شهروندان ایرانی مشارکت‌کننده با احساس تنش زیاد یا بسیار زیاد نسبت به تغییرات اقلیمی روبه‌رو بوده‌اند. علاوه بر این ۲۸/۵ درصد نیز نسبت به آن اضطراب زیاد یا بسیار زیاد، ۴۲/۱ درصد نگرانی زیاد یا بسیار زیاد و ۲۶/۲ درصد نیز نسبت به آن ترس زیاد یا بسیار زیاد داشته‌اند. مهتاب معتمد، روانپزشک و استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، در مقاله‌ای با عنوان «اضطراب اقلیمی: نگرانی نوظهور سلامت روان در مواجهه با مخاطرات زیست‌محیطی» به همین موضوع پرداخته و از نتایج پژوهش مورد اشاره گفته است. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» توضیح می‌دهد که تغییرات اقلیمی و محیط‌زیستی به اشکال مختلفی می‌توانند روی سلامت روان انسان تأثیرگذار باشند. به گفته او بخشی از این تغییرات، زیستی است و مطالعات زیادی روی آنها انجام شده است؛ مثل تأثیر بالا رفتن دمای هوا، افزایش آلودگی‌های محیط‌زیستی و انواع آلاینده‌ها روی سلامت روان افراد: «در برخی از این مطالعات مشاهده شده است که مجموع این تغییرات می‌توانند گاهی باعث اختلالات شناختی مانند آلزایمر و دمانس شوند یا با آن مرتبط باشند. مطالعاتی نیز درباره ارتباط محدود مسائل محیط‌زیستی با افزایش ریسک خودکشی و افسردگی و عود اسکیزوفرنی وجود دارد، بااین حال منظور موارد نگران‌کننده نیست. علاوه بر این مطالعاتی قدیمی‌تر نیز وجود دارد که نشان می‌دهد آب‌وهوا در کیفیت کار افراد نیز تأثیرگذار است و ممکن است باعث افزایش خشم آنها شود. در مواردی نیز تغییرات آب‌وهوایی جدی‌تر باعث مهاجرت یا تروما و اختلالات پس‌ازساخته می‌شود. مثل مواردی که مردم با تبعات تغییرات اقلیمی یعنی سیل‌های سنگین، یخبمن، گردباد و موارد دیگر روبه‌رو شده‌اند.» او می‌گوید در سال‌های اخیر وقتی از اضطراب اقلیمی یا محیط‌زیستی صحبت می‌شود، آنچه بیشتر مدنظر قرار دارد این است که لزوماً فرد به‌صورت مستقیم تحت‌تاثیر تغییرات اقلیمی قرار نگرفته یا در فضایی بسیار آشفته نبوده است، اما با اضطراب اقلیمی روبه‌روست؛ نوعی از اضطراب‌های وجودی یا اگزستانسیال: «در این نوع از اضطراب فرد نگران چیزی است که قبلاً در محیط‌زیست خودش وجود داشته و حالا در حال فروپاشی است. این شرایط می‌تواند برای افراد اضطراب ایجاد کند. مفهوم اضطراب اقلیمی تقریباً جدید است و به‌تازگی در ادبیات روانپزشکی و محیط‌زیستی استفاده می‌شود.»

معتمد توضیح می‌دهد که این نوع اضطراب به‌شکل مثبت یا منفی می‌تواند روی فرد تأثیرگذار باشد: «شکل منفی این اضطراب به‌صورت عمگین شدن، افسردگی و احساس استیصال بسیار و درماندگی در برابر یک اتفاق خارج از کنترل بروز می‌کند. همه این موارد هم می‌تواند روی عملکرد افراد تأثیرگذار باشد. بخش مثبت این اضطراب نیز مربوط به بروز رفتارهای حمایت از محیط‌زیست است؛ در برخی کشورها وقتی اضطراب اقلیمی بین جمعیت ایجاد می‌شود، رفتارهای حمایت از محیط‌زیست بیشتر می‌شود؛ یعنی افراد تمایل بیشتری برای انجام فعالیت‌های محیط‌زیستی دارند.» به گفته این روانپزشک، در برخی مطالعات که در کشورهای اروپایی درباره تفاوت میزان این اضطراب در جوامع روستایی و شهری انجام شده، مشخص شده است که جمعیت روستایی کمتر نگران نسبت به تغییرات اقلیمی نگران بوده‌اند اما عملکردهای آنها در راستای حمایت از محیط‌زیست بهتر از جمعیت شهری بود؛ درحالی که جمعیت شهری نگرانی بیشتری نسبت به این تغییرات داشتند. معتمد اعتقاد دارد که اضطراب ناشی از کمبود آب و خشکسالی را هم می‌توان نوعی اضطراب اقلیمی دانست، بااین حال هنوز نمی‌توان این اضطراب را به‌عنوان اختلالی جداگانه در نظر گرفت؛ چون مطالعه‌ای روی آن انجام نشده است: «این اضطراب بیشتر از جنس همان اضطراب‌های وجودی است و نیاز به مداخلات اجتماعی و برطرف شدن منشأ این اضطراب دارد. در جوامعی که سرمایه اجتماعی و اعتماد افراد به فعالیت‌های دولت در زمینه اقدامات اجتماعی محیط‌زیستی بیشتر باشد، این اضطراب می‌تواند منجر به فعالیت‌های سازنده محیط‌زیستی شود اما در جوامعی که اعتماد زیادی به قانون‌گذار وجود ندارد، افراد چندان به این موضوع توجه نمی‌کنند و اضطراب آنها نتیجه مثبتی ندارد.»

سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

آب هنوز در منطقه‌ای که سیما در آن زندگی می‌کند قطع نشده، اما او «اضطرابش» را از پیش تجربه می‌کند. حالا خانه آنها با بطری‌های متعدد آب در نقاط مختلف پرشده و یک کلمن بزرگ در دستشویی کنار گذاشته شده؛ برای روزهایی که ممکن است آب قطع شود. سیما سال‌هاست به دوش‌روانه کوتاه اول صبح، عادت کرده اما فکر می‌کند اگر به‌مدت‌دلیلی نتواند دوش بگیرد از نظر روانی در طول روز تحت‌فشار قرار خواهد گرفت و نسبت به خودش احساس خوبی ندارد. برای این زن جوان ۳۹ ساله تصور تخلیه تهران به‌دلیل کمبود آب ترسناک است و بحران‌های محیط‌زیستی مثل خشکسالی، آلودگی هوا یا کمبود آب، آینده را برایش مبهم و پراضطراب کرده است: «گاهی تصور آنچه پیش‌رویمان است آنقدر برایم سخت می‌شود که ترجیح می‌دهم فکر نکنم و بگذارم زمانی که اتفاق افتاد، با آن مواجه شوم؛ چون می‌دانم حل این بحران‌ها نیازمند مسئولیت‌پذیری و خردمندی است که ما از آن بی‌بهره‌ایم. این اضطراب، گاهی باعث از بین رفتن تمرکز می‌شود و این یکی از دلایلی است که فکر کردن به آن را پس می‌زنم.» او حالا احساس استیصال دارد. مثل فردوس، ۳۲ زن ساله اهل دزفول که فکر می‌کند هیچ چیز تغییر نخواهد کرد و این شرایط برایش «اضطراب» ایجاد کرده و فکر می‌کند بیشتر به حالت یأس و ناامیدی گرفتار است و کاری از دست‌اش ساخته نیست. «چیکار میشه کرد؟ اینم مثل برق رفتن‌های تابستونه.»

فاطمه هم این «اضطراب» را تجربه می‌کند؛ زنی که ساکن رشت است و هیچ‌گاه این شهر را تا این اندازه کم‌باران و آلوده ندیده است؛ یک‌جوره من سنگین که ترکیبی از آلودگی و هوای مرطوب است و آنقدر زیاد است که در وسط شهر و یک خیابان پررفت‌وآمد نمی‌توان کمی جلوتر را به خوبی دید. این توصیف‌آز این روزهای رشت است و اضطرابی بسیار شدید تجربه می‌کند؛ چون «کم‌آبی با مشکل قطع برق ترکیب می‌شود و باید منتظر قطع آب و برق و آلودگی هوا به‌صورت هم‌زمان باشم. انگار که همه به‌نوعی با آن روبه‌رو می‌شوند و در عمل زندگی بسیار طاقت‌فرساست؛ چون زندگی روزمره به این وضعیت قطع آب و برق گره می‌خورد. قبلاً به رعایت الگوی مصرف باور داشتیم اما الان برای من کم‌رنگ شده است و وقتی با کم‌آبی روبه‌رو می‌شویم مدام به خودم یادآوری نمی‌کنم که باید مصرف را بیشتر از قبل کاهش دهم. فکر می‌کنم توان من به‌عنوان یک شهروند به حل این حجم از ناترازی نمی‌رسد و اگر همه ما اصلاح الگوی مصرف داشته باشیم، ما در هدررفت منابع نقشی نداریم و ناامیدکننده‌ترین حس است که در حال حاضر آن را تجربه می‌کنم.»

خلاف او، روح‌الله شکل دیگری از مواجهه با این بحران را در پیش گرفته است: «بی‌حس» شدن؛ چون اطمینان دارد که